

با نام خدا

سخنرانی کلیدی

همایش فرهنگستان علوم

موضوع همایش: اولین همایش فرایند استاندارد آموزش و آموزش استاندارد

۶-۵ آذرماه ۱۳۹۳

چکیده:

مفهوم شناسی استاندارد و دلالت های آن برای عمل حرفه ای معلم

- به عنوان رئیس بزرگترین موسسه آموزش عالی کشور که کارش نه تنها آموزش است بلکه تربیت آموزشگر است از طرح این میحث خوشحالم. کور بیزنس ما تربیت آموزشگر است. باید به پاسخی موجه به این پرسش مبتنی باشد که آموزشگر خوب، آموزشگر موفق کیست؟ آیا می توان به فراخور تم این نشست این آموزشگر را فردی معرفی کرد که در بیزنس آموزش است و آموزش او یا استانداردهای آموزش هماهنگ است؟
- هم می تواند گفت آری و هم می تواند خیر... هر دو را هم با بلند ترین صوت و بدون اینکه لرزشی در صدا و لغزشی در فهم اتفاق افتاده باشد می تواند اعلام کرد.!!!!!!!!!!!!!! چطور چنین چیزی ممکن است؟ مفاهیم و برداشت های مختلف از آموزش استاندارد وجود دارد و لذا مفهوم شناسی استاندارد در آموزش مبحثی است که موضوعیت دارد. من می خواهم درباره دو مفهوم یا درک متضاد از استاندارد در عرصه آموزش صحبت بکنم که از دل آن دو پاسخ متضاد به این پرسش که آیا تدریس با کیفیت و موفق تدریس وابسته به استاندارد است در می آید.... **من هم می توانم هر دو پاسخ را قبول داشته باشم** و اکنون می خواهم درباره کیفیت پیوند مفهوم استاندارد با مفهوم آموزش با شما سخت بگویم تا معلوم شود محصول این پیوند یک مفهوم مرکب بصیرت آفرین است یا کور کننده؟ یک مولود خیر است یا یک مولود شر؟ یک نعمت است یا یک نعمت؟
- **پاسخ خیر** مبتنی بر چه آموزه هایی یا چه فهمی از ماهیت آموزش و نقش آموزشگر یا کنشگری آموزشگر است؟ **پاسخ آری** مبتنی بر چه آموزه هایی یا چه فهمی از ماهیت آموزش و نقش آموزشگر یا کنشگری آموزشگر است؟ ... من از مجرای توصیف پاسخ **نه** و انگاره ای از این پیوند که آن را کور کننده، شر و نعمت می انگارد این بحث را دنبال می کنم و طبیعتا معلوم می شود پاسخ آری هم مبتنی بر چه مفروضاتی نسبت به ماهیت آموزش و کنش آموزشگر است. در حقیقت با ضد خودش شناخته می شود یا با مجموعه ای از صفات سلبی.

۱. آموزش خوب و موفق دارای یک فرایند الگوریتمیک است... دستورالعمل است. یک *instruction* است!

۲. آموزش خوب و موفق دارای وجهه علمی تمام عیار است... دانش تدریس دانشی فرا زمانی و فرا مکانی است، دانش رسمی و نظری ... دانش تدریس یک دانش اتیک است و آموزشگر بر عقلانیت تکنیکی تکیه دارد.

۳. آموزش خوب و موفق آموزشگر را از تولید دانش حرفه ای آموزش بی نیاز می سازد... دیگران صلاحیت ساخت دانش

حرفه ای را دارند. پژوهشگران این عرصه که موجوداتی برتر هستند، نه آموزشگران

۴. آموزشگری خوب و موفق صرفاً بر اساس آنچه در کتاب های مرجع آمده است **عمل می کند... goes by the book**.

... بهترین تصمیمات در مواجهه آموزشگر با مسائل را باید در کتاب های مرجع معتبر یافت

۵. آموزشگر موفق از آموزشگر ناموفق تنها با برپایه التزام یا عدم التزام به دانش انباشته تدریس شناخته می شود. آیا به چیزی به

نام **best practice** پایبند است یا خیر؟

۶. آموزش موفق یک فرایند تولیدی است و مانند هر فرایند تولیدی موفق دارای "تکنولوژی" است... مبتنی بر اجتهاد شخصی

نیست، ریسک اجتهاد شخصی را باید از معادله آموزش بیرون ریخت.

• اگر پیوند استاندارد با آموزش این معانی و مضامین را به ذهن متبادر کند، پاسخ من **یک نه بزرگ** است. این پیوند اصلاً پیوند مبارکی

نیست. فروکاستن فرایند تدریس به یک فرایند روتین، مکانیکی و تفکر زدایی شده است. Standardized teaching is an

oxymoron. یعنی **قاتق نان آموزش و معین کیفیت آموزش نیست، بواقع قاتل آن است**. The road to hell is

paved with good intentions (حسن نیت به سنگفرش جهنم تبدیل می شود). در اینجا "آموزش استاندارد" بر فهم صنعتی از

مفهوم استاندارد که همان فهم استاندارد (رایج) از مفهوم استاندارد است استوار است!!!

• پس آموزش موفق و با کیفیت را باید در نفی تمام این آموزه ها جستجو و تعریف کرد... می توان فهمی از آموزش استاندارد ارائه کرد

که درست بر نقیض گزاره های بالا استوار باشد... **یا استانداردهایش مفروضات زیر باشد...** با توجه به این معیارها مورد قضاوت و

ارزیابی قرار گیرد... یعنی می توان استانداردار با به معیار و عیار تفسیر کرد نه به تجویز چگونه رفتار کردن در موقعیت

های آموزشی... با این ملاک ها و این فهم از استاندارد، پاسخ یک آری بلند است.

۱. آموزشگری یعنی درگیر شدن با فرایندی ابداعی و خلاق **heuristic**، مستلزم چاشنی ماجراجویی و پست سرگذاشتن رویه

های اتوماتیک با تمسک به راهبرد تعدیل و دستکاری یا عدول و بدعت در عمل است.

۲. آموزش به دلیل ظرافت و پیچیدگی هایش تن به تبیین تمام عیار علمی / تئوریک نمی دهد. قالب علم برای این عرصه قالب

تنگ و نابسندۀ ای است. دانش آموزش از نوع دانش امیک است و آموزشگر بیشتر یک هنرمند... عقلانیت بدیل یا عقلانیت

مندرج در عالم هنر و زیباشناسی (کل نگر)

۳. آموزشگر خوب به دلیل حضورش در متن در بهترین موقعیت برای تولید دانش حرفه ای یا کمک به توسعه دانش حرفه ای

با پذیرش ویژگی یا وجهه پژوهندگی است. آموزشگر با کنشگری خود باید به خلق دانش حرفه ای آموزش هم یاری رساند

۴. آموزش موفق از مراجعه به کانتکست و درنگ و تأمل در آن الهام می گیرد و سپس بدنبال راه حل های کتابی می رود

۵. شناخت و التزام به اقتضانات خاص موقعیت آموزش یا اختصاصات موقعیتی است که تدریس موفق را از تدریس نا موفق

متمایز می کند

۶. از ترس مرگ دست به خود کشی نمی زند! ریسک پذیر است.

در یک کلام و به بیان دیگر مفهومی از استاندارد می تواند با آموزش پیوند بخورد و این پیوند مبارک، مولد و زایا باشد که مقوله آموزش را به یک

مقوله لجستیک تقلیل ندهد (را بطه دانش نظری و عمل را به یک رابطه لجستیک فرونگاهد)، بلکه برای مقوله آموزش **ماهیت پرابلماتیک**

قایل باشد (عالم و عالم عمل باید با الهام از عالم نظر به حل مساله پردازد و تصمیم بگیرد)